



۱ نخستین گام حج «فهم» است. حاجی باید بداند به کجا می رود و دعوت چه کسی را اجابت می کند و میهمان کیست و آداب این میهمانی چیست. باید توجه داشت که حج، عبادت است و سراسر مناسک آن تعبد. بدون انجام صحیح اعمال آن، دستیابی به اسرارش ممکن نیست. سفر حج، منزلی دارد و بدون طی هر منزل، سلوک به منزل مافوق امکان پذیر نیست. حج سفر الی الله است. حج روی آوردن و وارد شدن برخدا است. حرکتی از خود به سوی خدا، هجرت از خانه خویش به خانه خداست. عید فطر «ضیافت الله» است؛ اما مقدمه عید قربان است، زیرا عید قربان «لقاءالله» است. دعاهای ماه مبارک رمضان پر است از طلب زیارت بیت الله الحرام، بنابراین ماه مبارک رمضان با آن همه عظمت، مقدمه و زمینه ساز درک حج و اسرار آن است. حج دارای ظاهر و باطن است. چشم ظاهر، ظواهر را می بیند اما باطن و اسرار حج فقط با چشم دل دیده می شود.

۲ گام دوم حج «توبه» است. از امام صادق (ع) نقل شده است که اگر قصد سفر حج کردی خالصانه توبه کن. فقط پیشوایان معصوم و مخلصان از هر گونه آلودگی، پاک و مطهرند؛ اما دیگران کم یا زیاد در معرض لغزش و گناه اند. بنابراین باید پیوسته روح و روان خویش را با آب توبه شست و شو دهند، بویژه کسی که قصد سفر حج دارد بر او لازم است از تمام گناهان خویش توبه نماید و در صورت لزوم به جبران آنها بپردازد، البته توبه مراتبی دارد و نسبت به افراد مختلف، متفاوت است.

۳ گام سوم حج «اخلاص» است. مسافر حج باید قلبش را از هر گونه شائبه خالص گرداند، زیرا مسافر مخلص پذیرفته می شود. این سفر سیر الی الله است. قلب انسان، حرم الهی است و باید آن را از هر امر غیر خدایی خالص سازد. در قلب مسافر حج، فقط باید «یاد خدا» سکونت و حضور داشته باشد.

۴ تهیه کردن زاد و توشه؛ اگر سفر ظاهری به سوی خانه خدا نیازمند توشه ای حلال، پاک و فسادناپذیر است پس بدون شک سفر باطنی به سوی ذات حق تعالی، محتاج بهترین زاد و توشه ها است و آن چیزی جز تقوی و پرهیزکاری نخواهد بود؛ «فان خیر الزاد التقوی».

۵ دور ساختن انواع لباس های رنگارنگ دنیوی؛ هنگامی که حضرت موسی (ع) به وادی مقدس رسید به او دستور داده شد: فَاخْلَعْ ثَغْلَيْكَ اِنْكَ يَاوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًی؛ (۱۲/طه) دو کفش خویش بیرون آور که تو وادی مقدس «طوی» هستی، اما به مسافر حج دستور داده می شود که در میقات، یعنی فرسنگ ها قبل از بیت الله الحرام، تمام لباس هایت و حتی کفش را در آور. نه تنها لباس های رنگارنگ و متنوع و احیاناً آلوده را از بدن و جسم خود دور کن؛ بلکه لباس عصیان، خودپرستی، ریا و سایر آلودگی ها را از روح و روان خویش دور ساز.

۶ پوشیدن لباس احرام: لباس احرام برخلاف لباس های قبل از آن، رنگارنگ، متنوع، تشریفاتی و زینتی نیست؛ بلکه لباسی سفید، ساده، تمیز، عاری از کنرات و آلودگی ها است. لباس احرام یادآور کفن و سفر آخرت است. لباس احرام یادآور ملاقات الهی و خداحافظی با تمام دل بستگی های دنیا است. یادآور خداحافظی با خانواده، اموال، جاه و مقامات دنیوی است. لباس احرام یادآور ملاقات الهی است. مسافر حج یا پوشیدن لباس احرام، خودش را خسی در میقات می بیند؛ اما بالاتر از آن، مقامی است که خود را خسی هم نبیند و بالاتر اینکه این ندیدن را نیز نبیند و این مقام فناء است.

۷ لبیک گفتن: ذات باری تعالی به حضرت ابراهیم (ع) دستور داد که به مردم اعلام کند به زیارت خانه خدا آیند. (۲۷/حج) «لبیک گفتن» اجابت این دعوت الهی است. لبیک گفتن مسافر حج، پاسخ مثبت به این فراخوان الهی است. پاسخ مثبت به این سفر عبودی و هجرت از خود به سوی خدا است. هرچه معرفت و شناخت حاجی بیشتر، «تلبیه» (لبیک گفتن) او نیز عمیق تر خواهد بود. در روایت آمده است، حضرت امام زین العابدین (ع) چون احرام بست رنگ مبارک او زرد شد و لرزه بر اعضای وی افتاد و نتوانست لبیک گوید. محضر ایشان عرض شد: چرا لبیک نمی گویند؟ فرمود: می ترسم پروردگارم بگوید: لایبیک و لاسعدیک.

منابع:
- صحیفه نور، امام خمینی ۱۳۷۹
- مصباح الهدایه ص ۲۰۵
- معراج السعاده
- کتاب حج، تقریر درس فقه آیت الله محقق داماد، به قلم علامه جوادی آملی
- المحجه البیضاء، فیض کاشانی، ج ۲



عکس:ایران

نکاتی درباره «اسرار عرفانی حج»

در حریم معبود

دکتر مصطفی جعفر طبری
قائم مقام دانشگاه ادیان و مذاهب

«حج» عبادتی استثنایی و منحصر به فرد است و از مهم ترین و برترین عبادت های دین اسلام به شمار می رود. حج، یک عبادت سالانه و جمعی و متشکل از مسلمانان مستطیع از سراسر جهان است و به نوعی پاسخ مثبت به فراخوان الهی است. بعد از آنکه حضرت ابراهیم (ع) همراه با حضرت اسماعیل (ع)، مقدمات زیارت بیت الله الحرام را فراهم کردند، خداوند متعال به این پیامبر بت شکن دستور داد که به مردم دنیا اعلام کند که به زیارت خانه خدا بیایند؛ «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ» (۲۷/حج)؛ و در میان مردم برای [ادای] حج بانگ برآور تا زائران [پایه و] اسوارا بر هر شتر لاغری- که از هر راه دوری می آیند- به سوی توری آورند. مردم از سراسر دنیا به حج بیایند تا شاهد منافع فراوان حج باشند؛ «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ» (۲۸/حج). حج سرشار از منافع

است؛ منافع اخروی، دنیوی، سیاسی، اجتماعی، تجاری و... بسیاری از منافع حج از دیر زمان برای مسلمانان روشن بوده است. اهمیت و جایگاه بعد سیاسی حج بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با پیام های امام خمینی قدس سره و جانشین بحق ایشان امام خامنه ای مد ظله العالی به حجاج بیت الله، بیش از پیش تبیین شد. بی تردید یکی از مهم ترین منافع مشهود حج، منافع معنوی است. هر کس به قدر وسع و ظرفیت و تلاش و همت خویش بهره ای خواهد گرفت. اعمال حج دارای مراتب و مراحل است و هر کدام حاوی اسراری، اعمال و مناسک حج سرشار از رموز و اسرار عرفانی است. انجام صحیح اعمال حج و مقبول واقع شدن آن، منوط به پیمودن گام های متعددی از آغاز تا پایان مناسک است. در این نوشتار به برخی از این گام ها و اسرار عرفانی آنها اشاره می شود:

پیامبر ایمان

«عید قربان» عید توحید و یادگار حیات توحیدی ابراهیم خلیل (ع) است

دکتر محمد فتایی اشکوری
دکترای فلسفه دین و عرفان و عضو هیات علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)

مأموری انجام ده که ان شاء الله مرا از بندگان شکبیا خواهی یافت. این ایثار و جوانمردی بود که ابراهیم (ع) را به مقام دوستی با خدا(حَلَّتْ) رساند. ابراهیم به جایی رسید که خدا او را به دوستی خود برگزید. «واتخذ الله ابراهیم خلیلاً». و امام و پیشوای خلق قرارش داد: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتِيهِمْ رِجَالًا وَبِغِلْمَاتٍ فَأْتُمَّهُمْ قَالِ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا.» (البقره/۱۲۴)

محبت حضرت ابراهیم (ع) به خداوند چنان بود که وقتی نام زیبای پروردگار (سبوح قدوس رب الملائکه و الروح) را شنید، با شوق و وجد پرسید: این مطرب از کجاست که برگفت نام دوست و جامه بذل کنم بر پیام دوست دل زنده می شود به امید وفای یار جان رقص می کند ز سماع کلام دوست و برای اینکه نام حبیب را مکرر بشنود حاضر شد همه دارایی اش را بذل کند: مرحبا ای بیک مشتاقان بده پیغام دوست تا کنم جان از سر رغبت فدای نام دوست مناسب است سخن عبدالرزاق کاشانی (متوفای ۷۳۰ یا ۷۳۵) در کتاب تحفة الإخوان فی خصائص الفتیان، ص ۲۲۸ را در اینجا بیاوریم:



«عید قربان» آماجی برای قربان شدن در بندگی، و سوختن در آتش عشق به محبوب ازلی است. این درجه از «توحید» کاری است که تنها از جوانمردان ساخته است. از این رو است که ابراهیم را به حق ابوالفتیان (پدر جوانمردان) می خوانند. بت شکنی او از شدت استغراقش در توحید بود. وقتی بت پرستان پرسیدند چه کسی بت ها را شکسته است، گروهی پاسخ دادند جوانی است به نام ابراهیم که با بت ها سر ستیز دارد. «قَالُوا سَمِعْنَا فَتَى يَدْعُوهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ.» او برای دفاع از توحید یک تنه با بت ها و بت پرستان و فرعونیان درافتاد تا جایی که آماده جانبازی و ایثار و سوختن در میان رقص شعله های آتش گفت: أَلَمْ لَكُمْ وَلَمْآ تَعْبُدُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (الانبیاء/۶۷). اف بر شما و آنچه می پرستید. و فرعونیان گفتند به یاری خدایتان بتشاید او را در آتش افکنید و بسوزانید. قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ (الانبیاء/۶۸). آنها چنین کردند اما از مکر خدا غافل بودند: فَلَمَّا يَا آتِيتُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ (الانبیاء/۶۹).

«نقطه اول ولایت و مفتتح آن که معنی وحدت ازو منتشر شد و فتوت و ولایت بدو ظاهر گشت، نفس مقدس ابراهیم بود صلی الله علیه. چه اول کسی که قدم در راه تجرید نهاد و از دنیا و لذات آن کناره گرفت و از زینت و شهوات آن دوری گزید و از پدر و مادر و قوم و قبیله خویش مفارقت جست و از اهل و عزیزان و مألوفات لذت و اوطان هجرت کرد و در محبت حق انواع بلا و مشقت بر خود گرفت و بر غربت و مجاهدت مصابرت نمود و بر شکستناصنام و مخالفت جباران دلیری یافت تا دشمنان به فتوت او گواهی دادند، ابراهیم بود -علیه الصلوة والسلام- چنان که حق تعالی ایشان باز می گوید: «قَالُوا سَمِعْنَا فَتَى يَدْعُوهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ.» والفضل ما شهدت به الأعداء. پس منبع فتوت و مظهر آن ذات او باشد به حسب ظاهر و باطن -

حقیق شمرد.»

فلسفه نیایش

چرا خداوند انسان را به دعا و پرستش دعوت می کند؟

دکتر سیداحمد غفاری
دکترای فلسفه اسلامی و مدیر مؤسسه حکمت و فلسفه ایران شعبه قم

سرشار از انقیاد و توجه ویژه است که ققط نصیب «انسان نیایش گر» می شود. همچنین، استجابات خدا، نشانه ای از همراهی کل هستی با انسان نیایش گر است؛ «چون که صد آمد، نود هم پیش ما است».

۱ هدف اصلی نیایش بر اساس مبانی «حکمت متعالیه» انسان نه تنها محتاج خدا است، بلکه عین احتیاج است و بلکه هویتی غیر از احتیاج ندارد؛ این سخن، بر وفق مضامین قرآنی و روایی اینست: «يا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّبِعُوا الْفُقَرَاءَ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْكَمِيعُ» چنین موجودی با چنین حقیقتی، اگر خواهد صداقت را در زندگی رعایت کند، باید اظهارکننده همین حقیقت باشد؛ هدف اصلی نیایش اظهار همین حقیقت هست.

۲ انسان با نیایش، صادقانه و به دور از هرگونه نفاق، وابستگی اش را اعلام می کند و فقر خودش را علنی می کند. پس خداوند، گریانند بنده را خوش ندارد، بلکه هدفش از دعوت انسان به دعا و پرستش، صادق نمودن انسان و پرهیز دادش از نفاق است. نیایش، غبار غفلت و زنگار خودپسندی و غرور را از صفحه دل و جان می زداید، حجاب های متعدد «من و ما» را کنار می زند، دیده حق بین دل را به سمیای محبوب می دوزد و روح نشاط و امید را در کالبد پیوندگان کوی دوست می دمد.

۳ فلسفه نیایش / فایده نیایش فلسفه نیایش و پرستش، غیر از فایده آن است؛ هدف اصلی نیایش، در اظهار فقر و وابستگی به خدا است؛ اما نیایش فوایدی دارد که نباید با هدف دعا خلط شود؛ به عنوان مثال، شخص نیایش کننده به آرامش می رسد؛ به قول سعدی: «گفته بودم چو بیایی غم دل با تو بگویم/ چه بگویم که غم از دل برود چون با تو بیایی.» همچنین، شیوع دعا و نیایش در جامعه، سبب تعالی آن جامعه است؛ به تعبیر الکسیس کارل: «فقدان نیایش در میان ملتی برابر با سقوط آن ملت است! اجتماعی که احتیاج به نیایش را در خود کشته است معذول از فساد و زوال مصون نخواهد بود.» اما هدف اصلی دعا، رسیدن به آرامش نیست؛ بنابراین هر چند این سخن درست است که انسان های نیایش گر، انسان های دارای آرامش هستند، اما این سخن نادرست است که بگوییم هدف از نیایش، رسیدن به آرامش است.

۴ دعا و نیایش / مخدر یا پیش ران؟ برخلاف گمان نادرست برخی، نیایش ابزاری برای کنار گذاشتن دنیا نیست؛ نیایش ابزاری برای نادیده گرفتن ابزارهای دنیوی



برخلاف گمان نادرست برخی، نیایش ابزاری برای کنار گذاشتن دنیا نیست؛ همچنین، نیایش ابزاری برای نادیده گرفتن ابزارهای دنیوی نیست؛ نیایش مسیری برای عزلت و کناره گیری از جامعه و بی اعتنایی به مشکلات آن نیست. برخلاف این گمان های نادرست، نیایش مسیری برای متصل شدن به قدرت و اراده بی نهایت است؛ انسان نیایش گر هنگام نیایش «یک به علاوه بی نهایت» می شود و معلوم است که چنین توانی، شکستناپذیر است؛ دقیقاً به همین دلیل است که «ایمان» قدرتی دارد که می تواند در مقابل همه قدرت های محدود و غیر الهی استقامت کرده و آنها را شکست دهد.

۵ دعا و نیایش / مخدر یا پیش ران؟ برخلاف گمان نادرست برخی، نیایش ابزاری برای کنار گذاشتن دنیا نیست؛ نیایش ابزاری برای نادیده گرفتن ابزارهای دنیوی

نیایش مسیری برای نادیده گرفتن ابزارهای دنیوی